

اشاره

دانش فقه مثل دیگر علوم، مشتمل بر چندین فصل (باب) و هر فصل، شامل موضوعات و مسائل متنوع و متعدد است. اگر به روش تبویبی تنظیم شود، ساختار یا طبقه بندی پیدا می کند؛ درست مانند کتاب شرح لمعه یا جواهر الکلام. اما اگر به روش نمایه ای اقدام شود، ساختاری رده ای یا قاموسی پیدا می کند. هر دو ساختار ضروری و علمی است؛ چون ساختار تبویبی عمدتاً برای آموزش سودمند است و ساختار نمایه ای، اغلب در عرصه اطلاع رسانی مفید است. این مقاله در صدد معرفی هر دو ساختار و مقایسه آنها با یکدیگر و تبیین کارایی ها و سودمندی های روش نمایه ای است.

نمایه سازی کتاب ها، مقالات و دیگر آثار فقهی، نسبت به دانش هایی مثل پزشکی، هنوز دچار مشکلاتی است. نمایه سازان خبره ای که بتوانند به خوبی محتوایی آثار فقهی را با نمایه بیان کنند، بسیار اندک اند. به همین دلیل نهادها و پژوهشگران فعال در حوزه فقه اسلامی نتوانسته اند در مقابل نظام های حقوقی در جهان، رقابت تمام عیاری را مدیریت کنند. نیز نتوانسته اند آثار فقهی مسلمانان را به جهان معرفی کنند. دلیل همه این ضعف ها، عدم توجه به زیرساخت های تئوریک فقه در بخش ساختار و تجزیه مباحث است. تا معلوم نشود چه قواعدی بر ساختار و تبویب فقه حاکم است و فقها از قدیم با چه شیوه هایی به تقسیم مباحث این دانش می پرداخته اند، امروز نمی توانیم به نمایه سازی اقدام کنیم؛ یا حداقل در عرصه نمایه سازی موفقیت نخواهیم داشت. این مقاله در صدد معرفی مبانی شاخه بندی و تبویب فقه و سپس چگونگی تکثیر و تکثیر واژگان فقهی است؛ زیرا نمایه ها، کلمات و واژه هایی هستند که واقعیت های موجود در بطن این دانش را معرفی می کنند.

مقدمه

دانش فقه از گسترده ترین و مهم ترین علوم در فرهنگ اسلامی است و در تعریف آن گفته اند: «علم به احکام و وظایف شرعی مکلفان است که توسط مجتهدان از ادله تفصیلی قرآن و سنت و دیگر منابع فقه استنباط می شود»^۱.

فقه همچون دیگر دانش ها ساختار زبانی و ادبی خاصی دارد؛ مشتمل بر واحدهای بزرگ، متوسط و کوچک است. انواعی نظیر نماز، خمس و اجتهاد، بزرگ ترین بخش های آن را تشکیل می دهد. یعنی در ساختار دانش، بزرگ تر از این واحدها پیدا نمی شود و کوچک ترین واحدهای مفهومی فقه عبارت اند از: کلیدواژه ها و اصطلاحات فقهی؛ مثل وجوب، استحباب، حکم، تکلیف، سجود، رکوع، حلق سردرجح. اینها اصطلاحات درون فقهی است؛ اما اصطلاحات دیگری هم وجود

۱. موسوعة الفقه؛ ج ۱، ص ۱.

مقاله

ساختار تبویبی و نمایه ای فقه

محمد نوری

چکیده: دانش فقه از گسترده ترین علوم در فرهنگ اسلامی است که مشتمل بر چندین فصل (باب) و هر فصل شامل موضوعات متنوع است. اگر به روش تبویبی تنظیم شود ساختاری با طبقه بندی پیدا می کند که عمدتاً برای آموزش سودمند است. در صورتی که ساختار نمایه ای اغلب در عرصه اطلاع رسانی کاربرد می یابد. نویسنده در مقاله حاضر ابتدا قلمرو و مرزهای علمی دانش فقه را از طریق اصطلاحات یا کلیدواژه های فقه بیان می کند و سپس تمایزها و تفاوت های روشی دانشمندان قدیم و جدید در طبقه بندی دانش فقه را مطرح می نماید. معرفی اصطلاح نامه های فقه در دو گروه قدیمی و جدید، از دیگر مباحث مطرح شده در مقاله می باشد. در ادامه، نویسنده به معرفی ساختارهای طبقه بندی تبویبی و نمایه ای و مقایسه آن ها با یکدیگر همت گماشته است. در انتها، کارایی های روش نمایه ای را به تصویر می کشد.

کلیدواژه ها: دانش فقه، ساختار تبویبی، ساختار نمایه ای، ساختارهای طبقه بندی فقه، اصطلاح نامه فقه.

دارد که بیانگر ساختار و نمای بیرونی فقه مثل روش شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و مبنایی است.

قدما از طریق برشماری مسائل یک علم، به قلمرو، شعبه‌ها و شاخه‌های آن علم پی می‌بردند. آنها معتقد بودند: دانش فقه مشتمل بر حدود پنجاه باب یا کتاب مثل صلوة، صوم، حج، خمس، زکوة و... بوده است و هر یک از این ابواب، مشتمل بر چندین مسئله فقهی است و سرجمع آنها دانش فقه را تشکیل می‌دهند. اما به تدریج روش دیگری برای برشماری و تعیین قلمرو علم پدید آمد و از طریق کلیدواژه‌ها یا اصطلاحات یک دانش، به ساختار و شاخه‌ها کلیه تمامیت علم پی بردند؛ به عبارت دیگر اصطلاحات درون علم فقه که توسط اصطلاح‌نام‌ها بیان می‌شود، گویای تمامیت دانش فقه است. این مقاله در صدد نشان دادن قلمرو علمی و مرزهای علمی دانش فقه، از طریق اصطلاحات فقهی یا کلیدواژه‌های فقه است؛ در واقع این مقاله در صدد اثبات تمایزها و بیان تفاوت‌های روشی دانشمندان قدیم و جدید است؛ به طوری که قدما در طبیعت شناسی، تجزیه اجسام و اشیای طبیعی را تا اتم ادامه می‌دادند و اتم را کوچک‌ترین جزء می‌پنداشتند؛ ولی در قرون جدید، اتم هم تجزیه شد و آن را مرکب از چند جزء دانستند. در علوم انسانی هم «مسئله» که کوچک‌ترین جزء دانش مکتوب بود، تجزیه شد و کوچک‌ترین واحد هر دانش، کلیدواژه یا اصطلاح دانسته شد.

هر علم مرزها و قلمروی محدود دارد. هیچ دانشی ساخت بی‌نهایت ندارد، بلکه علوم به لحاظ تحقق خارجی و عینی، حتماً محدود و مرزدار است. فقه نیز چنین است. اما نکته مهم این است که قلمرو علوم چگونه، به چه روشی و با استفاده از چه ابزاری سنجیده و معین می‌شود؟ نظر قدما این بود که هر علم، مبادئی مثل غایت، موضوع، مسائل و روش دارد. موضوع و مسائل، نشانگر مرزهای دانش اند. هر مقدار مسائل افزون‌تر باشد، قلمرو فراخ‌تر و وسیع‌تر است و برعکس اندکی مسائل، نشانگر محدود بودن دانش است. ابونصر فارابی، قدیمی‌ترین فیلسوف مسلمانی است که درباره تجزیه علوم و دسته‌بندی دانش‌ها کتاب نوشت و به روش عقلی، مسائل علوم را شناسایی و احصا نمود. به همین دلیل، کتابش را احصاء العلوم نامید.^۲

روش دیگری که از قدیم متداول بود، البته فقط در محدوده منابع علمی یا آثار مکتوب، آمارگیری کتب، رسائل، مقالات فقهی و به اصطلاح کتابشناسی است. ولی این شیوه در دوره معاصر دستخوش تحولات اساسی شده است؛ به ویژه بلیومتریکس به عنوان شعبه‌ای از کتابشناسی، با هدف سنجش آماری و کمی قلمرو علم پدید آمد.

۲. کتاب احصاء العلوم به دلیل اینکه از بیرون به علوم اسلامی نظر افکند و به تحلیل دانش‌های مسلمانان پرداخت، تأثیر ژرفی بر تفکر دانشمندان بعدی نهاد. البته در اروپای قرون وسطا هم مؤثرانند و طرفداران فراوانی در مدارس و نحل‌های مسیحی پیدا کرد؛ به همین دلیل چند بار به لاتینی و دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه شد و به عنوان متن آموزشی مورد استفاده بود (رک به: مقدمه حسین خدیوچم در: احصاء العلوم که همواره فارسی ترجمه کرده است).

لازم به توضیح است که هر علم، می‌تواند چهار لایه داشته باشد: ۱. لایه ذهنی یا وجود ذهنی علم که همان تصورات و تصدیقات موجود در ذهن عالمان است؛ ۲. لایه کتبی یا وجود کتبی که شامل نگارش تصورات و تصدیقات است؛ ۳. لایه لفظی (یا وجود لفظی) تبدیل تصورات و تصدیقات به تلفظ و گفتار است؛ البته اخیراً لایه الکترونیکی که تبدیل دانش به الکترونیک است پدیدار گشته است. کتاب و مقاله به عنوان لایه کتبی علم می‌تواند نمایانگر و نشانگر کمیت و قلمرو علم باشد؛ یعنی هر مقدار تعداد کتب و مقالات افزون‌تر باشد، قلمرو کمی هم فراخ‌تر است. از سوی دیگر هر مقدار، تعداد قضایای مکتوب که گویای ابتکارات دانشمندان است، افزون‌تر باشد، قلمرو کیفی هم گسترده‌تر است؛ برای نمونه الفهرست ابن ندیم در مقاله پنجم به معرفی فقهای مذاهب مختلف اسلامی و کتاب‌های آنها می‌پردازد. اگر این تعداد با یکی از کتابشناسی‌های فقه معاصر مقایسه شود، معلوم خواهد شد کتابهای فقهی چندین درصد افزایش یافته است. این شیوه که در گذشته توسط ابن‌خیر در الفهرسته، ابن‌ندیم در الفهرست، شیخ طوسی در الفهرست اجرا شده، گویای قلمرو علوم در هر دوره است. این شیوه در دهه‌های جدید با نام بلیومتریکس یا کتابسنجی به صورت یک علم مطرح شده است که کاربران با استفاده از شیوه‌های آماری، به اثبات قلمروهای دانش می‌پردازند. البته این مقاله فعلاً به این روش نمی‌پردازد.

تاریخچه تجزیه فقه: دانش فقه به لحاظ گستردگی اش، مشتمل بر بخش‌ها و موضوعات مختلف است؛ زیرا از روزهای نخست بعثت، احکام تشریح شد و در دوره ۲۳ ساله رسالت، تمامی احکام و قواعد مورد نیاز مسلمانان وضع شد. در دوره امامت هم سیر توسعه فقه تداوم یافت و با آغاز عصر غیبت کبرا، فقیهان مسئولیت بیان احکام را بر عهده گرفتند. برخی از این فقیهان مشرب جدیدی پدید آوردند که با طرفداری عده‌ای به مذهب فقهی تبدیل شد. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ق)، مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ق)، عبدالرحمن بن محمد اوزاعی (۸۸-۱۵۷ق)، سفیان ثوری (۹۷-۱۶۱ق)، لیث بن سعد (۹۴-۱۷۵ق)، محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق)، احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ق)، داوود بن ظاهری (۲۵۵-۲۹۷ق) و محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، نام دارترین فقیهانی بودند که مذهبی را پی‌ریزی کردند. البته از نقش امام جعفر صادق علیه السلام در بنیان‌گذاری شیعه نباید غفلت کرد. برخی مذاهب، مانند ظاهریه و اوزاعیه از میان رفته است.

ده‌ها مبحث و موضوع در این مذاهب تحلیل و بررسی شده است. پس از مدتی که پژوهش‌های فقهی گسترش یافت، فقیهان به تدوین آنها پرداختند. مطالب و مسائل فقه طبقه‌بندی شد و کتاب‌های فقه به ابواب و فصول تقسیم شد. اغلب، ابواب و فصول اصلی را «کتاب» مانند کتاب حج نامیدند. در تعداد این کتاب‌ها بین فقیهان اختلاف بوده است.

محقق حلی بر اساس نیت و انگیزه مکلفان است. از قدیم نوع دیگر از دسته بندی در عرصه فقه مطرح بوده است؛ مثلاً این ندیم گزارش های فقیهان را در چند بخش اخبار مالک، اخبار ابی حنیفه، اخبار شافعی، اخبار داود، اخبار فقهای شیعه، اخبار سفیان ثوری و اخبار طبری طبقه بندی کرده است.^۷ در دوره معاصر آقای احمد طاهری عراقی، رده اصلی اسلام در نظام رده بندی کنگره را که به اختصار از آن به BP یاد می شود، گسترش داد.^۸ شاخه های اصلی وی با بیان این اصطلاحات بیان شده است:

سازمان ها و انجمن ها؛

کنگره ها و کنفرانس ها؛

دائرة المعارف ها، واژه نامه ها، اصطلاح نامه ها؛

مجموعه ها؛

راهنماهای آموزشی؛

کتابشناسی؛

تاریخ فقه؛

طبقات و تراجم فقها؛

آثار کلی؛

قواعد فقه؛

فقه مذاهب؛

مناظرات فقهی؛

فقه تطبیقی؛

مباحث خاص.^۹

این طبقه بندی چهارده گانه، صرفاً بیانگر ماهیت منابع موجود است و اعم از طبقه بندی محقق حلی یا شیخ طوسی است؛ زیرا طبقه بندی آنها ذیل مباحث خاص قرار می گیرد.

در بین فقیهان اهل سنت نیز تقسیم های مختلفی مشاهده می شود. مهم ترین طبقه بندی در کتاب المجله عرضه شده است. همه این تقسیم بندی ها و دسته بندی های مباحث در دانش فقه، گویای سلطه شیوه مسئله محوری بر نظام فقه و دستگاه فقاهت است. این شیوه در گذشته بر علوم سیطره داشته، حتی امروزه هم بر علوم سنتی و دانش های دینی حاکمیت دارد. خلاصه این شیوه این است که:

هر دانش موضوعی دارد که محور تمامی مسائل آن علم است. این موضوع به موضوعات کوچک تر، تجزیه پذیر است؛ مثلاً موضوع عام دانش فقه، تکلیف همه مکلفان است، ولی این موضوع به خمس، جهاد، نماز و روزه تجزیه می شود؛ یعنی مسائل هم سنخ و مرتبط با یک مفهوم در کنار هم قرار می گیرند و موضوع کوچک تری مثل خمس را

اکثر فقها، مباحث این دانش را به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم کرده اند. این دسته بندی به لحاظ ماهیت و غرض مسائل است. مسائلی که ماهیت آنها رابطه بین خدا و انسان و با قصد تقرب به خدا اجرامی شود را عبادی می نامند و هدف، نیل به ثواب اخروی است؛ اما مسائلی که بیانگر روابط انسانی و برای تأمین مصالح افراد یا جامعه است و از سرقرب الهی صورت نمی گیرد، معاملات است.

فقیهان جعفری، فقه را به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات، احکام و سیاسات تقسیم کرده اند. این چهار بخش تنه اصلی و شاخه های مختلف و فروعات گوناگون این دانش را تشکیل می دهد؛ به عبارت دیگر تمامی اصطلاحات فقهی، ذیل این چهار عنوان قرار می گیرند.

محقق حلی اولین فقهی است که در کتاب معروفش، شرائع الاسلام این بحث را مطرح کرد. او چهار بخش را به بخش های فرعی تقسیم کرده است. عبادات را به ده کتاب طهاره، صلوة، زکات، خمس، صوم، اعتکاف، حج، عمره، جهاد و امر به معروف؛ عقود را به نوزده کتاب تجارت، رهن، افلاس، حجر، ضمان، صلح، شرکة، مضاربه، مزارعه، و مساقاة، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالة، وقف، سکنی و حبس، سبق و رمایه، وصیه، هبه و نکاح تقسیم کرده است.^۳

یادآوری این نکته هم ضروری است: در ابتدای قسم دوم از کتاب شرائع الاسلام آمده است: عقود به یازده باب تقسیم می شود، اما عملاً نوزده باب بر شمرده است. برخی این را اشتباه املائی و قرار گرفتن خمسه به جای تسعه دانسته اند.^۴

همو برای ایقاعات یازده کتاب بر شمرده است: طلاق، خلع و مبارات، ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدییر و مکاتبه، جعالة، اقرار، ایمان و نذر؛ بالاخره بخش احکام دارای دوازده کتاب است: صید و ذباجه، اطعمه و اشربه، غضب، احیاء موات، شفعه، لقطه، فرائض، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات و قصاص.

مجموعه این شاخه ها ۵۲ بخش است و در واقع لایه نخست تزاروس فقه یا به اصطلاح عناوین رأس یا اصطلاحات رأس را تشکیل می دهند.

پیش از محقق حلی، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) در کتاب الخلاف ابواب فقه را بدون دسته بندی خاص، تا ۸۴ کتاب مستقل بر شمرده.^۵ فقیهان شیعه دیگر، تقسیم بندی های دیگری که تفاوت چشمگیری از نظر اصطلاح نگاری بین آنها نیست، انجام دادند.^۶

معیارهای همه تقسیم های مزبور، درون فقهی است. تقسیمات

۳. شرائع الاسلام؛ ج ۱، ص ۵ به بعد.

۴. فقه سیاسی اسلام؛ ج ۱، ص ۵۱ و آشنایی با علوم اسلامی؛ ص ۱۰۵۱۴.

۵. کتاب الخلاف؛ فهرست مطالب.

۶. برای مطالعه این تقسیمها، رک به: آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۱۳-۱۲۳ و فقه سیاسی اسلام؛ ج ۱، ص ۵۴-۵۳.

۷. الفهرست؛ ص ۲۵۱-۲۹۹.

۸. پژوهش ایشان زیر عنوان رده BP اسلام منتشر شد.

۹. رده BP، اسلام، ص ۵۴-۷۸.

خود و به مقتضای رخدادهای هر عصر و هر منطقه، نوپیداها و مستحدثاتی ظهور می‌کنند. بیمه، عکاسی، خوراکی‌های جدید، بانکداری و پول، سفته و بخت‌آزمایی از نمونه‌هایی است که در دهه‌های اخیر پیدا شده و هر یک نیاز به استنباط احکام جدید، جعل واژه‌ها و اصطلاحات نوین دارند. همه اینها، موجب گسترش دامنه و قلمرو دانش فقه می‌گردد و مرزهای این علم را توسعه می‌بخشد. البته در هزاره گذشته، این توسعه همواره وجود داشته است و این دانش رو به کمال و جامعیت و توسعه بوده است. البته در مقابل این دیدگاه، نظریه دیگری هست که معتقد است فقط بخش معاملات دچار تحولات می‌شود و زایش اصطلاحات، در این زمینه است.

فقه اسلامی چون پاسخگوی مسائل جدید مسلمانان است، مسائل مستحدثه را هم باید تبیین و احکام آن را بیان کند. مسائل مستحدثه مفاهیم نو و دارای واژگان جدیدی می‌باشند و به تدریج در دستگاه فقهی و در عرف فقیهان جا باز خواهند کرد و جزو اصطلاح‌نامه‌های فقهی می‌شوند؛ از این رو پویایی فقه موجب شده اصطلاح‌سازی فقه دائماً در حال جریان و تولید باشد.

اصطلاح‌شناسی فقهی: اصطلاح فقهی، به مفهومی با کاربرد ویژه در عرف فقیهان گفته می‌شود. گاه کاربرد فقهی یک واژه با معنای حقیقی آن متفاوت و گاه انطباق دارد؛ اما اکثر اصطلاحات فقهی منقول است. صلوة، زکات و خمس و مانند اینها که اصطلاحات اصلی فقه را تشکیل می‌دهند، از معنای اولیه خود به معنای جدید منتقل شده، در این معنا بسامدی در کاربرد پیدا کرده‌اند.

اما هنوز آمار دقیقی از کل اصطلاحات فقهی، اصطلاحات تعینی و تعیینی و نیز نمودار افزایش اصطلاحات و کلیدواژه‌ها در هر دوره در دسترس نیست.

معرفت اصطلاحات فقهی یا روش اصطلاح‌پژوهی در بین فقها در طول تاریخ خود، تحولاتی داشته است. در اینجا به پاره‌ای از این تحولات اشاره می‌شود. هر کدام از این تحولات خود مبحثی برای پژوهش مستقل است.

در دهه‌های نخستین، مسلمانان دغدغه شناسایی تکالیف خود و التزام به تکلیف داشتند، ولی تکالیف را از طریق مفاهیم شرعی می‌شناختند. هر آنچه در قرآن و سنت به عنوان یک موضوع شرعی بود و شارع بر اجرا یا عدم اجرای آن تأکید کرده بود، به عنوان یک موضوع شرعی قبول کرده، جزء تکالیف خود قرار می‌دادند. اما چون اکثر و اغلب مفاهیم شرعی مسبوق به سابقه و دارای پیشینه کاربردی لفظی بود، شارع باید تعریف جدید خود را از این واژگان اعلام می‌کرد. این

تشکیل می‌دهند. بنابراین قداماً هم از طریق موضوع کلان و موضوعات خرد و هم مسائل مرتبط به یک موضوع و سرجمع تمامی مسائل که کل علم را می‌سازند، حجم، قلمرو و مرزهای دانش‌هایی مثل فقه را تشکیل می‌دهند.

تنها پس از تعیین حد و حدود دانش است که می‌توان گام‌های بعدی را برداشت؛ دقیقاً مثل ساخت یک قطعه زمین که پس از احراز قلمرو و تعیین مرزها، می‌توان درباره آن تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کرد.

فارابی عملیات تعیین مرزها و حد و حدود دانش را احصاء العلوم می‌نامد و به همین دلیل، عنوان کتابش را احصاء العلوم گذارده است. وی در مقدمه می‌نویسد: «به آنیم، دانش‌ها را بر شمرده، مباحث

آنها را به دست دهیم و بخش‌های هر علم را معرفی کنیم. چون فراگیری علوم منوط به همین آگاهی‌ها است و اگر کسی بخواهد علمی را فرا گیرد و در آن به پژوهش بپردازد، ابتدا باید بداند به چه کاری اقدام می‌کند و در چه چیزی به پژوهش می‌پردازد، به چه سرمایه‌ای می‌رسد و از چه فضیلتی بهره‌ور خواهد شد، دانستن این مقدمات سبب می‌شود انسان برای فراگیری هر دانش و فنی با آگاهی و دوراندیشی گام بردارد و نه از سر غفلت و بی‌خبری»^{۱۰}.

اما روش قداماً با شیوه متأخران تفاوت‌هایی دارد.

مهم‌ترین تفاوت در این است که قداماً به سرعنوان و سرفصل و مسئله اکتفا می‌کردند و جلوتر نمی‌رفتند؛ ولی متأخران تجزیه را ادامه داده، در صدد کشف عناصر ساختاری بیشتر و کشف روابط بین کلیدواژه‌ها هستند. به همین دلیل به نمایه‌سازی، اصطلاح‌شناسی و تدوین اصطلاح‌نامه روی آورده‌اند.

در عرصه دانش فقه، حرص و ولع بیشتری برای شناسایی اصطلاحات و کشف عناصر ساختاری هر کلیدواژه وجود دارد؛ به همین دلیل تا کنون اصطلاح‌نامه‌های فراوانی در این زمینه تألیف و عرضه شده است. علت این مسئله را بعداً توضیح می‌دهم.

ثبات و زایش: دانش فقه را حداقل دارای دو بخش عبادات و معاملات دانسته‌اند. اکثر قریب به همه فقیهان معتقدند: معاملات یا توصلی‌ها (در مقابل تعبدی) به اقتضای نیازها و رخدادهای هر دوره، در حال تحول است؛ و اصطلاحات بیانگر مفاهیم معاملی و توصلی در حال گسترش و زایش می‌باشند؛ در حالی که اغلب فقها برای عبادات، ثبات قائل‌اند. به نظر برخی فقها، در هر دو بخش، به اقتضای ماهیت

۱۰. احصاء العلوم؛ ترجمه حسین خدیوچم؛ ص ۳۹-۴۰.

اما حادثه سوم که بسیار مهم تر است، اینکه در دهه‌های اخیر به روابط بین اصطلاحات پرداختند و تلاش کردند روابط بین کلیدواژه‌ها کشف شود؛ روابطی مثل مترادف، تشابه، همبستگی، تفریع (اعم و اخص) و تکرر نشانگر نکات فراوانی است که با کشف آنها، می‌توان به دستاوردهای جدید نایل شد.

معرفی اصطلاح‌نامه‌ها: از قدیم فقیهان ضرورت اصطلاح‌شناسی را احساس کرده بودند و اصطلاح‌نامه‌های تخصصی فقه تدوین کرده‌اند. فقیهان حنفی، مانند مطرزی کتاب المٌغرب و نسفی، طلبة الطلبة را نوشتند. در بین شافعیان کتابهای الزاهر از ازهري و المصباح از فیومی و در بین حنابله، المطلع از البعلی و در مالکیان تنبیه الطالب از ابن حاجب اموی تونسی مشهورترند. همه این آثار، به روش غریب لغت و بر پایه اسلوب دانش غریب نگاری نوشته شده است؛ یعنی واژگانی که مفهوم ملموس نداشته و به نحوی صعوبت و دشواری معنوی داشته، مورد توجه قرار گرفته، توضیح داده شده است.^{۱۲} همچنین گاه بر اساس روش حدودنگاری، اصطلاح‌نامه فقهی تدوین شده است. حدود و رسوم نگاری جریانی است که با روش منطقی، به تبیین و تعریف اصطلاحات فقهی می‌پردازد.

در اینجا چند عنوان از معروف‌ترین اصطلاح‌نامه‌ها معرفی خواهد شد. اصطلاح‌نامه‌ها در دو گروه قدیمی و جدید دسته‌بندی خواهند شد. اصطلاح‌نامه‌های قدیمی بر اساس تاریخ مرتب شده‌اند؛ ولی بخش اصطلاح‌نامه‌های جدید بر اساس الفبای عنوان تنظیم خواهد شد. آمار اصطلاح‌نامه‌های قدیمی، نوزده عنوان است و آمار جدیدها ۲۵ عنوان است.

الف) اصطلاح‌نامه‌های قدیمی فقه

۱. الزاهر فی غریب الفاظ الشافعی الذی اودعه المزی فی مختصره؛^{۱۳} ابی منصور الزهری مشهور به ازهري (درگذشت ۳۷۰ ق)؛ به کوشش محمد جبر اللفی و محمد بشیر الادلبی و عبدالستار ابوعدة؛ الطبعة الاولى، الكويت؛ وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م. چاپ‌های دیگر: به کوشش عبدالنعم طوعی بشناق؛ بیروت؛ دارالبشائر، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م، ۶۸۷ ص و به کوشش محمد جبر اللفی؛ قاهره، [بی‌نا]، ۱۹۹۳ م، ۵۰۴ ص.

امام ازهري از ائمه شافعی است و بر اساس ضوابط مذهب شافعی، به بررسی کلیدواژه‌ها و مفاهیم می‌پردازد. او اصطلاحات مندرج در کتب

تعاریف به روش عملی به مسلمانان تفهیم می‌شد نه اینکه به شیوه نظری و بیان جنس و فصل عرضه شود؛ برای نمونه رسول الله ﷺ با اجرای رکعات نماز صبح، صلوة صبح را برای مردم تعریف می‌کرد. شکل‌گیری مفاهیم اسلامی به طرح مجموعه‌ای از اصطلاحات شرعی در بین مسلمانان منجر شد که یا شارع اعلام کرده بود و یا مسلمانان و رهبران آنها، این اصطلاحات را به رسمیت شناخته بودند. دسته اول را اصطلاحات شرعی و دسته دوم را اصطلاحات متشرعه نامیدند. همچنین به تدریج در بین فقها، اصطلاحاتی که مفهوم آن از جاهلیت تداوم یافته بود، به نام اصطلاحات امضایی معرفی شدند که در مقابل اصطلاحات تأسیسی قرار داشت.

با تأسیس دانش اصول فقه، شیوه‌های گذار از اصطلاحات دوره جاهلیت به دوره اسلامی بررسی شد و معلوم شد بسیاری از اصطلاحات با نقل از معنای سابق به معنای جدید، تعریف نوینی پذیرفته‌اند؛ از این رو اصطلاحات به نام‌های منقول و مرتجل دسته‌بندی شدند. از قرن چهارم به بعد، مسلمانان به ضرورت تدوین اصطلاح‌نامه تخصصی فقه پی بردند، ولی این اصطلاح‌نامه‌ها فقط به لفظ و معنای خود اصطلاح می‌پرداخت؛ مثلاً تاریخ تحولات معنایی، ریشه‌شناسی و امثال اینها بررسی می‌شد.

روش اغلب اصطلاح‌نامه‌های قدیم، اینگونه است که هر اصطلاح فقهی در دو لایه لغت شناختی و معنای اصطلاحی، بررسی شده است. تقریباً همه اصطلاح‌نامه‌های فقهی تا قرن چهاردهم قمری از نظر روش و بررسی اصطلاح یک شیوه را دنبال کرده‌اند؛ هر چند در دسته‌بندی و تقسیم و تنظیم، روش‌های متفاوتی دارند؛ نیز در تعداد اصطلاحاتی که بررسی کرده‌اند.

اما در دوره جدید سه حادثه مهم در عرصه اصطلاح‌نامه‌ها به وقوع پیوست: با گسترش روابط بین ملت‌ها و توسعه ارتباطات، ضرورت تدوین اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه حس شد. هدف این بود که در هر مورد، معلوم شود برابر نهادهای دیگر ملل چیست؟ مثلاً واژه صلوة در فرهنگ دینی فارسی، نماز و در انگلیسی Prayer است. معادل‌های فارسی و انگلیسی الصلح، توافق یا رضایت و Settlement می‌باشد. حادثه دوم، الفبایی شدن ساختار این فرهنگ‌نامه‌ها است. از قرون گذشته مثلاً اصطلاحات هر باب فقهی در یک فصل عرضه می‌شد. گویا نخستین اصطلاح‌نامه فقهی در شیعه، کتابی از علامه حلی با عنوان المصطلحات الفقهية است که همین وضعیت را دارد.^{۱۱}

۱۲. الموسوعة الفقهية؛ جزء اول، ص ۶۲-۶۳.

۱۳. عنوان این اثر به این صورت هم ثبت شده است: الزاهر فی غریب الفاظ الامام الشافعی.

۱۱. سید حسین مدرسی؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه؛ ص ۱۰۵.

و با این مشخصات چاپ شد: ج ۲، حلب: مکتبه اسامه بن زید، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م. همین چاپ با این مشخصات افست شد: ج ۲، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۹۹م.

مطرزی از فقیهان حنفی و ادیبان سده ششم و هفتم قمری متعلق به خوارزم است. این اثر را نیز به منظور توضیح الفاظ فقهی حنفی نوشته است. او فقط به غریب الالفاظ نه همه واژگان پرداخته است. اساس و معیارش برای انتخاب واژگان، دشواری معنوی آنها است. واژگان دشوار در نظر او شامل اصطلاحات موضوعی مانند اجاره و اعلام، مانند ابان بن عثمان بوده است. اولین واژه «الابان» و آخرین واژه «یناق» است. توضیحات مطرزی شامل مطالب ادبی و لغتشناسی، نکات فقهی و اصولی و نیز تاریخی می شود، و ساختار کتاب، الفبایی است.

۷. تحریر الفاظ التنبيه اولغة الفقه؛ محیی الدین یحیی بن شرف النووی (درگذشت ۶۷۶ق)؛ به کوشش عبدالغنی الدقر؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م، ۳۷۴ص.

افست، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م. این اثر را فایز دایه و محمد رضوان الدایه تحقیق کردند و با این مشخصات چاپ شد:

تحریر التنبيه: معجم لغوی؛ دمشق: دارالفکر و بیروت: دارالفکر معاصر، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م، ۴۱۷ص.

مرحوم نووی، الفاظ و اصطلاحات فقهی مندرج در کتاب التنبيه امام شیرازی (ابراهیم بن علی بن یوسف فیروزآبادی (درگذشت ۴۷۶ق) را استخراج کرده، به توضیح آنها می پردازد. ترتیب آن بر اساس نظم کتاب التنبيه است، ولی در آخر کتاب فهرست الفبایی واژه‌ها را عرضه کرده است.

۸. تهذیب الاسماء واللغات؛ ابی ذکریا یا محیی الدین (یحیی) بن شرف النووی (درگذشت ۶۷۶ق)؛ بیروت: دارالکتاب العلمیه، افست از چاپ المطبعة المنیریة، ۱۹۸۰، ۹۴۰ص.

این کتاب را قاموس فقهی (فرهنگنامه فقه شافعی) دانسته اند که به حل رموز و مشکلات مفاهیم فقه شافعی می پردازد. تقریباً همه اصطلاحات مبهم و نیازمند به شرح را از کتاب‌های مهم مذهب شافعی استخراج کرده، به شرح آنها پرداخته است. غیر از مفاهیم واژگان، شخصیت‌ها و دیگر اسامی خاص را هم توضیح داده است. از این رو بسیار شبیه فرهنگ‌نامه‌های این دوره است.

نخستین بار فردیناند فستنفلد، این اثر را احیا کرد و در ۲ جلد در انتشارات گوتنگن آلمان (۱۸۴۲-۱۸۴۷) آن را منتشر ساخت. همین چاپ به صورت افست در قاهره، دارالطباعه المنیریة، ۱۸۸۶م منتشر شد.

امام شافعی و شروح آنها به ویژه شرح المزنی را استخراج کرد و به شرح آنها پرداخت.

۲. حلیة الفقهاء؛ ابی حسین احمد بن فارس بن زکریا الرازی مشهور به ابن فارس (درگذشت ۳۹۵ق)؛ به کوشش عبدالله عبدالمحسن التركي؛ الطبعة الاولى، بیروت: الشركة المتحدة للتوزيع، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

شرح مفاهیم و واژگان مندرج در شرح کتاب محمد بن ادريس شافعی، یعنی مختصر اسماعیل بن یحیی المزنی یکی از شاگردان مشهور شافعی است.

۳. شرح غریب الفاظ المدونة؛ الجی^{۱۴} (قرن ۵ و ۴ق)؛^{۱۵} به کوشش محمد محفوظ؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م.

این اثر، کلید واژه‌ها و اصطلاحات مشکل و پیچیده را بر اساس فقه مذهب مالکی توضیح می دهد. نویسنده با استفاده از توضیحات لغوی، ادبی، شعری، قرآنی، حدیثی و بالآخره فقهی، به توضیح ابعاد هر واژه و گره‌گشایی از مشکلات آنها می پردازد.

۴. طلبة الطلبة فی الاصطلاحات الفقهية؛ نجم الدین بن حفص النسفی مشهور به نسفی (درگذشت ۵۳۷ق)؛ به کوشش خلیل المیس؛ بیروت: دارالقلم، ۱۹۸۶م / ۱۴۰۶ق، ۳۵۱ص. چاپ‌های دیگر: به کوشش خالد بن عبدالرحمن العک؛ بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م، ۴۲۸ص و به کوشش محمدحسن اسماعیل؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴م، ۳۵۲ص.

۵. مشارق الانوار علی صحاح الآثار؛ القاضی عیاض بن موسی الیحصبی مشهور به عیاض یا قاضی عیاض (درگذشت ۵۴۴ق)؛ ج ۲، الرباط: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۰۲-۱۴۰۳ق / ۱۹۸۲-۱۹۸۳م.

چاپ دیگر: تونس: المكتبة العتیقة، [بی تا]، قاهره: دارالتراث، [بی تا].

این اثر، توضیح کلید واژه‌های اصلی فقه به ترتیب باب‌های فقه است؛ یعنی ابتدا طهارت را در چند صفحه توضیح می دهد، پس از آن به سراغ صلوة رفته، با تزکیه کتاب را پایان می دهد. غیر از عناوین باب‌ها، دیگر واژگان فقهی را توضیح نداده است.

۶. المغرب فی ترتیب المغرب؛ ناصر بن عبدالسید بن علی المطرزی (۵۳۸-۶۱۶ق)؛ ج ۱، حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۲۸ق. افست: بیروت: دارالکتاب العربی، [بی تا] ۵۴۵ص.

این اثر را محمود الفاخوری و عبدالحمید مختار تحقیق و احیا کردند

۱۴. گاه به صورت «الجی» ثبت شده است.

۱۵. کتابة البحت العلمی؛ ج ۲، ص ۶۲۰.

۱۶. نام نویسنده به این صورت هم آمده است: ابوالفتح ناصر الدین بن عبدالسید بن علی (درگذشت ۶۱۰ق). الدلیل شامل، ج ۲، ص ۵۷۰.

فیومی مفاهیم واصطلاحات مندرج در الشرح الكبير (فتح العزيز) را گردآوری کرده، سپس توضیح داده است؛ البته فقط واژگان غریب را شرح می‌دهد. نویسنده به ترتیب الفبا آن را مرتب کرده است.

۱۳. كشف النقاب الحاجب من مصطلح ابن الحاجب؛ ابراهیم بن علی بن فرحون (درگذشت ۷۹۹ق)؛ به کوشش حمزة ابو فارس و عبدالسلام الشریف؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م.

این اثر اصطلاحات فقهی مندرج در کتاب مختصر ابن حاجب و جامع الامهات ابن حاجب را براساس فقه مالکی توضیح می‌دهد. این کتاب را در مذهب فقهی مالکیان مهم و تأثیرگذار دانسته‌اند.^{۱۷}

۱۴. كتاب الحدود؛ ابی عبدالله محمد بن عرفة الوریغنی التونسی (درگذشت ۸۰۳ق)؛ الطبعة الاولى، تونس: المطبعة التونسية، ۱۳۵۰ق. همراه با کتاب شرح الرضاع چاپ شده است.

نویسنده با روش حدودنگاری این اثر تألیف کرده است. منظور از جریان حدودنگاری، آثاری است که براساس ضوابط منطقی صورتی به تعریف مفاهیم یک علم یا یک موضوع می‌پردازد. گاه از این جریان به حدود و تعاریفات یا تعریفات و حدود یاد می‌کنند. حدود، جمع حدّ یعنی تعریف است و یک اصطلاح منطقی است. البته کسانی این روش را نپسندیده‌اند و مفاهیم فقهی را ماهیتاً عرفی دانسته، گفته‌اند شرح و تعریف آنها باید براساس ضوابط عرفی باشد.^{۱۸}

۱۵. الحدود والاحکام؛ علی بن مجدالدین مشهور به مصنفک (درگذشت ۸۷۵ق)؛ به کوشش احمد بن عبدالرزاق الکیسی؛ پایان نامه دکتری در دانشگاه الازهر، ۱۳۹۷ق / ۱۹۷۷م.

این کتاب، اصطلاحات فقه حنفی را توضیح داده، اصطلاحات هر باب را جداگانه معرفی کرده است. نکات اختلافی و دیدگاه‌های فقهی مخالف از مذاهب دیگر را هم آورده است.

۱۶. الدرالنقی فی شرح الفاظ الخوقی؛ یوسف بن حسن بن الهادی الصالحی معروف به ابن المبرد (درگذشت ۹۰۹ق)؛ به کوشش رضوان مختار بن غریبه؛ پایان نامه دکتری، مکه: الدراسات العليا الشرعية، جامعة ام القرى، ۱۴۰۷ق.

چاپ عمومی: جده: دارالمجتمع للنشر والتوزیع، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.

۱۷. معنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج؛ شمس الدین محمد بن احمد الخطیب، مشهور به الشربینی (درگذشت ۹۷۷ق)؛ به کوشش علی معوض و عادل عبدالموجود؛ ۶ ج، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا]، ۳۴۰۸ص.

۹. المطلع علی ابواب المقنع؛ ابی عبدالله شمس الدین محمد بن ابی الفتح البعلی الحنبلی (درگذشت ۷۰۹ق)؛ الطبعة الاولى، بیروت: المكتبة الاسلامی للطباعة والنشر، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م.

نویسنده الفاظ غریبه مندرج در کتاب المقنع از موفق الدین ابن قدامة المقدسی را استخراج و شرح کرده است. این کتاب درباره دیدگاه‌های احمد بن حنبل و براساس مذهب حنبلی است. این کتاب براساس ابواب کتاب المقنع مرتب و منظم شده‌اند.

۱۰. المصطلحات الفقهیة؛ حسن بن یوسف، مشهور به علامه حلی (درگذشت ۷۲۶ق). این اثر گویا هنوز چاپ نشده است، ولی نسخه‌هایی از آن در چند کتابخانه هست (سید حسین مدرسی؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه؛ ص ۱۰۵).

۱۱. تنبیه الطالب لفهم ابن الحاجب؛ عزالدین ابی عبدالله محمد بن عبدالسلام بن اسحاق اموی تونسی (درگذشت ۷۴۹ق)؛ خطی. نسخه عکسی آن در مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی در مکه مکرمه، رقم ۳۲۸ موضوع اصول فقه، نگهداری می‌شود.

شرح الفاظ جامع الامهات فی فقه مالک از ابی عمرو عثمان بن الحاجب براساس فقه مالکی است. کلیدواژه‌ها براساس حروف الفبا مرتب و منظم شده‌اند. گاه شرح یک واژه آنچنان طولانی است که یک حرف، یک فصل شده است.

۱۲. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی؛ احمد بن محمد بن علی المقربى الفیوی (درگذشت ۷۷۰ق)؛ بیروت: المكتبة العلمیة، [بی تا] و بیروت: دارالعلم و مكتبة لبنان، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.

چاپ‌های دیگر:

- قاهره: مطبعة بولاق، ۱۲۷۸-۱۲۸۱ق.

- تهران: ۱۸۵۰م.

- بیروت: المكتبة العصرية و دارالنموذجیة، ۱۹۹۹م.

- تحقیق مصطفی السقا؛ قاهره: مصطفی البابی الحلبي، ۱۹۵۶م.

- تحقیق عبدالعظیم الشاوی؛ قاهره: دارالمعارف.

- تحقیق علی معوض و عادل عبدالموجود؛ ۲ ج، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۹م، ۸۴۸م.

کتاب مختصری با نام المصباح المنیر للجبیب در بیروت توسط مكتبة لبنان منتشر شده است.

کتاب الشرح الكبير از منابع اصلی و مهم فقه شافعی از عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی (درگذشت ۶۲۳ق) است. در اصل شرح کتاب الوجیز فی النوع ابو حامد غزالی است که فتح العزیز علی کتاب الوجیز هم خوانده شده است.

۱۷. همان، ص ۶۲۲.

۱۸. همان، ص ۶۲۴-۶۲۵.

همراه با توضیحات آورده است: اصطلاحات عمومی، مصطلحات باب‌های فقه، الفاظ دارای معانی مختلف.

۵. الفتح المبين في حل رموز ومصطلحات الفقهاء والاصوليين؛ محمد ابراهيم الحفناوى؛ اسكندرية: سيردون، الرباط، ۱۹۳۲م. چاپ ديگر: الاسكندرية: مكتبة ومطبعة الاشعاع، ۱۹۹۹م، ۲۲۰ص.

۶. فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (معاملات)؛ محسن جابری عربلو؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۱۹۳ص.

اصطلاحات را به ترتیب الفبا آورده، توضیح داده است. غیر از مباحث ادبی و لغوی، توضیحات فقهی و آرای فقیهان مذاهب مختلف را ذیل هر مدخل مطرح کرده است. مؤلف مستندات خود را ذیل هر بحث در پاورقی آورده است.

۷. فرهنگ اصطلاحات فقهی؛ محمد حسین مختاری و علی اصغر مرادی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی ابن سینا، ۱۳۷۷، ۲۰۸ص.

مؤلف، اصطلاحات فقهی را گردآوری کرده، به ترتیب الفبا مرتب ساخته و همراه با توضیحات آورده است. اولین اصطلاح، آب جاری و آخرین آن «یوم مباحله» است.

۸. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی؛ ۳ ج، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵.

کامل‌ترین و جامع‌ترین کتابی است که به معرفی و تشریح اصطلاحات فقهی به ترتیب الفبایی می‌پردازد. نویسندگان در مقدمه متذکر شده‌اند که عناوین فقهی را توضیح می‌دهند و عناوین فقهی، اعم از اصطلاحات فقهی (واژگانی که در فقه، معنای خاصی دارند) است؛ زیرا شامل موضوع حکم و متعلق موضوع و از اینگونه واژگانی که ویژه فقه نیست هم می‌شود. در «آب پاک است»، آب موضوع است و ویژه فقه نیست. متعلق موضوع مثل آب مضاف با ملاقات نجاست نجس می‌شود. در اینجا مضاف متعلق، یعنی آب است و در این فرهنگ بررسی می‌شود.

۹. فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، عربی، فارسی و انگلیسی؛ سید محمد حسینی؛ تهران: سروش، ۱۳۸۲، ۵۷۳ + ۹۵ص.

واژگان فقهی را به ترتیب الفبا بررسی کرده است. نخستین واژه «الآباء» و آخرین واژه «الیومیه» است. از ویژگی‌های این مجموعه، معرفی برابر نهادهای عربی و انگلیسی است. مبنای کار مؤلف معجم لغة الفقهاء از محمد رواس قلعه‌چی، با افزون‌ها و ویرایش جدید است.

چاپ دیگر: ۴ ج، دمشق: دارالفکر، ۱۹۷۸م، ۱۹۹۱ص.
این اثر، استخراج کلیدواژه‌های مندرج در کتاب المنهاج و توضیح آنها است.

۱۸. انیس الفقهاء فی تعریفات الالفاظ المتداولة بین الفقهاء؛ قاسم بن عبدالله القونوی (درگذشت ۹۷۸ق)؛ تحقیق احمد بن عبدالرزاق الکیسی؛ الطبعة الأولى، جده: دارالوفاء، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م. ۳۵۰ص و بیروت: دارالکتب الثقافية، ۱۹۹۲م.

قونوی در این اثر، از کتاب مسلک الفقهاء پیروی کرده است. او اصطلاحات و واژگان کلیدی هر باب فقهی را استخراج کرده، توضیح داده است. ذیل هر اصطلاح، وی نخست به لغت‌شناسی پرداخته، در ادامه تمایزات معنای اصطلاحی را توضیح می‌دهد؛ سپس به شواهد قرآنی و حدیثی و مسائل شرعی آن می‌پردازد. نویسنده بر اساس

دیدگاه‌ها و مبانی مذهب حنفی، به بررسی و تحلیل ابعاد این اصطلاح می‌پردازد.

۱۹. التوفیق علی مهمات التعاریف؛ عبدالرؤوف بن تاج العارفین مشهور به المناوی (درگذشت ۱۰۳۱ق)؛ تحقیق عبدالحمید صالح حمدان؛ قاهره: عالم الکتب، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م، ۳۹۳ص.

ب) اصطلاح‌نامه‌های جدید

۱. الاصطلاحات الفقهية فی الرسائل العلمية؛ یاسین حسن عیسی‌العاملی؛ بیروت: دارالبلاغه، ۱۹۹۳م / ۱۴۱۲ق، ۲۳۹ص.

چاپ دیگر: قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

مؤلف، اصطلاحات مختلف رساله‌های عملیه را گردآوری کرده، به ترتیب الفبا منظم ساخته و همراه با توضیح‌های مختصر ارائه کرده است. توضیحات وی بسیار کوتاه است.

۲. اصطلاح المذهب عنه المالکيه؛ محمد ابراهيم احمد علی؛ الطبعة الأولى، دبی: دارالبعوث، ۲۰۰۰م / ۱۴۲۱ق، ۶۶۰ص.

۳. اضاءات الحالك من الفاظ دليل السالك الى موطأ مالک؛ محمد حبيب الله بن عبدالله بن مایابی الیوسفی الشنقيطی (درگذشت ۱۳۶۳ق)؛ القاهرة: مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۴ق، ۲۱۳ق.

۴. دليل السالك للمصطلحات والاسماء فی فقه الامام مالک؛ حمدی عبدالمنعم شلبی؛ قاهره: مكتبة ابن سینا، ۱۹۹۰م، ۱۵۹ص.

دارای سه بخش مصطلحات فقهی، مؤلفان و اعلام است. در بخش اصطلاحات، سه نوع کلیدواژه را در فقه مالکی شناسایی کرده،

۱۷. معجم الفاظ الفقه الحنبلی؛ محمد بشیر الادلبی؛ بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م.

۱۸. معجم الباقلائی فی کتبه الثلاثة: التمهید، الانصاف، البیان؛ سمیرة فرحات؛ بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م، ۵۴۴ص.

۱۹. معجم المصطلحات الاقتصادية فی لغة الفقهاء؛ نزيه حماد؛ ويرجينا: المعهد العالمی لكفر الاسلامی، ۱۹۹۳م/ ۱۴۱۴ق، ۳۰۸ص.

نویسنده کلیدواژه‌های فقهی محدوده اقتصاد را گردآوری کرده، توضیح داده است. اولین واژه «آجام» و آخرین آنها «یسیر» است. توضیحات نویسنده مفصل و همراه با مستندات است؛ برای نمونه توضیح «آجام» اینگونه است: اجمه در لغت درخت تلف شده را گویند. در اینجا مشتقات مختلف آن را تحلیل می‌کند. پس از آن آرای فقها را می‌آورد، به ویژه از کتاب الخراج ابویوسف نکاتی ذکر می‌کند و در ادامه به برخی احادیث اشاره می‌کند و در پایان هشت منبع که از آنها مطالب را برگرفته، فهرست می‌کند.

۲۰. معجم المصطلحات الفقهية والقانونية؛ جرجس؛ به کوشش انطوان الناشف؛ بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۹۶م، ۳۶۸ص.

مؤلف، اصطلاحات حقوقی و فقهی را به ترتیب الفبا منظم کرده، همراه با توضیحات آورده است. اولین واژه «أثار» و آخرین آنها «یسمین متمم» است. معمولاً برای توضیحات خود، مستنداتی

بدون استفاده از دانش اطلاع‌رسانی، رشد و توسعه علمی ممکن نیست و از سوی دیگر عملیات اطلاع‌رسانی بدون نمایه و اصطلاح‌نامه علمی نیست. همین قاعده درباره دانش فقه صدق می‌کند.

ذکر نکرده است.

۲۱. معجم لغة الفقهاء؛ محمد رواس قلعه جی و دیگران؛ ج ۱، بیروت: دارالنفائس، ۱۹۸۵م، ۵۱۵ + ۱۰۹ص. تجدید چاپ آن: بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۶م، ۶۳۴ص.

فرهنگ اصطلاحات فقهی به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی است. مترجم انگلیسی حامد صادق قنیبی و مترجم فرانسوی قطب مصطفی سانو بوده است.

اولین واژه «آباء» و آخرین واژه «یوم» است. روش مؤلفان اینگونه است که پس از اصطلاح، ریشه لغوی آن در عربی و در ادامه توضیحات مختصری از آن ارائه می‌کنند. بعد از آن، ترجمه فرانسوی و انگلیسی اصطلاح را می‌آورند.

۲۲. معجم المصطلحات والالفاظ الفقهية؛ محمود عبدالرحمن عبدالمنعم؛ ج ۳، قاهره: دارالفضيلة، ۱۹۹۹م/ ۱۴۱۹ق.

۱۰. القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية؛ عبدالله عيسى ابراهيم الغديري؛ بیروت: دارالمحجة البيضاء، ۱۹۹۸م، ۱۴۷۸ق، ۶۷۴ص.

نویسنده با این باور که اغلب اصطلاحات فقهی موجود در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه ابهام دارد و خوانندگان برداشت درستی از آنها ندارند، به تألیف این اثر روی آورده است.

رویکرد وی، شرح کلمات غریب و دشوار بوده است. او واژگان را به ترتیب الفبا مرتب کرده، همراه با توضیحات آورده است. اولین واژه «آجن» و آخرین آنها «یوم» است. برای توضیحات از بیان نکات ادبی، حدیثی، قرآنی و فقهی دریغ نکرده است.

۱۱. القاموس الفقهی؛ حسین المرعی؛ بیروت: دارالمجتبی، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م.

۱۲. القاموس الفقهية لغة واصطلاحاً؛ سعدی ابوجیب؛ دمشق: دارالفکر، ۱۹۸۲م، ۳۹۸ص. چاپ جدید: دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸م، ۳۹۸ص.

۱۳. المصطلحات الفقهية؛ الرباط: سيردون، ۱۹۳۲م.

واژه‌های فقهی را به ترتیب الفبا و همراه با توضیحات ادبی و فقهی و با شواهد قرآنی و روایی آورده است. در هر مورد، کاربردها و دیدگاه‌های مختلف ادیان و فقیهان را مطرح کرده است.

۱۴. مصطلحات الفقه الحنبلی و طریق الاستفادة للاحكام من الفاظه؛ سالم علی الثقفی؛ القاهرة: دارالنصر للطباعة الاسلامية، ۱۹۷۸م، ۳۷۹ص.

۱۵. مصطلحات الفقه: معظم عناوينه الموضوعية على طريقة كتب اللغة؛ علی مشکینی؛ قم: الهادی، ۱۳۷۷، ۵۷۹ص.

نویسنده اصطلاحات مختلف ابواب فقه را به ترتیب الفبا آورده، توضیح داده است. توضیحات او شامل مباحث ادبی و لغت‌شناسی و نکات فقهی است. اولین واژه «آمین» و آخرین آنها «یوم ولیل» است؛ برای نمونه در «آمین»، ابتدا به ریشه‌شناسی لغوی آن پرداخته، هیئت لفظ آمین را توضیح داده است؛ سپس کاربرد آن در شریعت و در ادامه احکام فقهی آن را بیان کرده است. در آخرین چند نظر از جمله نظر یزدی صاحب العروة الوثقی را آورده است.

۱۶. معجم اصول الفقه؛ خالد رمضان حسن؛ القاهرة: دارالطرايشی، للدراسات الانسانية، دارالروضة للنشر والتوزيع، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۸م، ۳۴۱ص.

تشریحی و توصیفی است؛ یعنی اصطلاح‌نامه‌هایی به شکل آثار جدید رده‌ای، گردشی و سلسله‌مراتبی از قرن‌های گذشته سراغ نداریم.

طی چند دهه اخیر، دانش نمایه‌سازی و اصطلاح‌شناسی، پیشرفت چشمگیری داشته، در حال حاضر به سرعت روبه گسترش و تعمیم بوده است. گسترش علوم و توسعه زبان دانش‌ها و بالمآل ظهور صدها کلیدواژه جدید از پیامدهای فناوری جدید و تمدن کنونی است؛ به طوری که امروزه یکی از شاخص‌های سنجش پیشرفت دانش‌ها، کمیت اصطلاحات و کلیدواژه‌ها است؛ زیرا هرچه مثلاً دانش پزشکی توسعه پیدا کرده، دامنه زبانی آن هم گسترش یافته، در نتیجه اصطلاحات و واژگان تخصصی این علم بیشتر شده است؛ به عبارت دیگر لغت‌نامه‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و مجموعه نمایه‌های تخصصی در رشته‌هایی که پیشرفته‌اند، حجیم‌تر و متنوع‌ترند؛ برای نمونه دانش پزشکی به دلیل نیازهای بشر در اروپا و آمریکا نسبت به دانش پوشاک در همین کشورها بسیار پیشرفته‌تر است؛ به همین دلیل صدها نوع اصطلاح‌نامه و لغت‌نامه در زمینه پزشکی عرضه شده است؛ با اینکه در عرصه پوشاک، آمار بسیار کمتر است. اصطلاح‌نامه و نمایه تنها نشانگر پیشرفت یک علم نیست، بلکه توسعه و گسترش هر علم مسلماً و به قطع، به آن وابسته است.

از سوی دیگر، اطلاع‌رسانی به دلیل پیشرفت‌های سرسام‌آور آن، در فرایندهایی چون ذخیره و بازیابی اطلاعات در رشته‌های گوناگون، نیاز جدی به اصطلاح‌نامه دارد. اصطلاح‌نامه‌ها در واقع ستون فقرات نظام‌های اطلاع‌رسانی هستند و نقش‌های نظام‌دهی به اطلاعات از یک سو و از دیگر سو مدخل‌سازی برای ورود به شبکه‌های اصلی و فرعی را ایفا می‌کنند. ایجاد روابط نظام‌مند و ساخت شبکه‌ها با ساختارهای تودرتو در اطلاع‌رسانی، بدون اصطلاح‌نامه‌های مدون و کارآمد امکان‌پذیر نیست.

بدون استفاده از دانش اطلاع‌رسانی، رشد و توسعه علمی ممکن نیست و از سوی دیگر عملیات اطلاع‌رسانی بدون نمایه و اصطلاح‌نامه عملی نیست. همین قاعده درباره دانش فقه صدق می‌کند. امروزه مثل گذشته فقط از طریق افزایش دانشجویان و متخصصان یک رشته، مثلاً افزایش طلاب در رشته فقه یا افزایش تألیفات و آثار، توسعه فقهی امکان‌پذیر نیست، بلکه باید دانش فقه به جهان عرضه شود و بسترهای لازم برای رقابت‌های منطقی فراهم گردد و همه اینها فقط با استفاده از دانش ارتباطات و اطلاع‌رسانی اجرا می‌شود. این دانش هم با تکیه بر نمایه و اصطلاحات و البته روش‌های دیگر، مثل مآخذشناسی به پیش می‌رود.

اصطلاح‌نامه، اصطلاحی با کاربردهای مختلف است؛ در یک کاربری به ترمینولوژی گفته می‌شود؛ یعنی توضیح و تنظیم واژگان

انگیزه نویسنده، ارائه مجموعه کاملی از اصطلاحات فقهی بوده است؛ زیرا مجموعه‌های قدیمی و جدید را کامل ندانسته است. اصطلاح‌ها را به ترتیب الفبا توضیح داده است. اولین آنها «آبد» و آخرین آنها «یوم» است.

ذیل هر اصطلاح، ابتدا نکات لغت‌شناسی و ادبی را آورده، آنگاه کاربردهای مختلف را توضیح داده است؛ پس از آن دیدگاه‌های مختلف لغویون و فقیهان مذاهب مختلف را آورده است. یکی از محاسن این کتاب بیان اسناد و مستندات در پایان هر مدخل است.

۲۳. معجم المصطلحات الفقهية؛ محمد عبدالرحمن؛ القاهرة: دارالفضيلة، ۱۹۹۸م.

۲۴. المعجم الفقهی المالکی بالعربیة والفرنسیة؛ عبدالعزیز بن عبدالله؛ الرباط: المکتب الدائم لتنسیق التعریف فی الوطن العربی، ۱۹۶۵م، ۶۵ص.

۲۵. موسوعة مصطلحات اصول الفقه عند المسلمین؛ رفیق العجم؛ بیروت: مکتبة لبنان، ۱۹۹۸م، ۱۰۶ص.

بررسی تاریخ و دیدگاه‌های فقهی امام مالک و گسترش این مذهب در جهان اسلام و بسط علمی آن است؛ به ویژه به پیروان و کتاب‌هایی که در شرح و بیان آرای مالکیه پرداخته‌اند، می‌پردازد.

ضرورت و نقش‌ها: اصطلاح‌شناسی^{۱۹} سنتی شناخته شده در فرهنگ اسلامی است و متفکران مسلمان، به دلیل ضرورت‌هایی که احساس می‌کردند، به این مقوله اهتمام داشته، آثار متعددی از سده‌های سوم قمری به بعد در این باره تدوین کرده‌اند. اغلب این آثار به تشریح اصطلاحات دانش‌های مختلف اسلام اختصاص دارد. مطرزی (۵۳۸-۶۱۶ق) المغرب فی ترتیب المعرب را درباره اصطلاحات فقه حنفی و نسفی (درگذشت ۵۳۷ق) و طلبه الطلبة را در توضیح کلیدواژه‌های ابواب فقه نگاشتند. حدود الاشیاء از کندی (درگذشت ۲۵۲ق)، الحروف از فارابی (درگذشت ۳۳۹ق)، لمع از طوسی (درگذشت ۳۷۸ق) و ده‌ها عنوان کتاب و رساله دیگر، به گونه‌ای به اصطلاح‌شناسی پرداخته‌اند. از این میراث حجیم نمی‌توان به سادگی گذشت، بلکه باید در تحلیل رویکرد مسلمانان به این مشغله، با حوصله به تأمل پرداخت. حداقل علت این است که پیدایش فرهنگ جدید اسلامی، به ظهور ادبیات نو و فرهنگ علمی جدید و در نهایت ظهور اصطلاحات فراوان منجر شد؛ همچنین عده‌ای از متفکران را بر آن داشت به جمع‌آوری این اصطلاحات و کلیدواژه‌ها بپردازند؛ سپس به توضیح آنها اقدام کنند. جالب است بدانید اکثر این اصطلاح‌نامه‌ها

۱۹. اصطلاح‌شناسی معادل Terminology است. بین نمایه‌سازی (Indexing) و اصطلاح‌شناسی رابطه و پیوند وثیق هست. گاه این دورا کاملاً مترادف و به جای هم استفاده می‌کنند و گاه اصطلاح‌شناسی را ناظر به فعالیت علمی و نمایه‌سازی را فعالیت عملی و اجرایی تعریف می‌کنند.

همانگونه که اطلاعات منابع و کتاب‌های یک کتابخانه فقط در صورت سامان‌دهی، یعنی تفکیک، موضوع‌بندی و طبقه‌بندی، قابل استفاده است و طبقه‌بندی بدون استفاده از نمایه‌ها یا تیتراها و عناوین مضبوط و استاندارد ممکن نیست، مسائل و محتوای هر علم نیز چنین است. دانش فقه دارای ابواب پنجاه‌گانه و هریاب دارای بخش‌های کوچک‌تر و هریخش شامل مسائل فراوان درونی است.

بنابراین ضرورت اهتمام به نمایه‌سازی و اصطلاحات فقهی، به روش نوین جدی است؛ اما متأسفانه مراکز پژوهشی کمتر به این مهم اهتمام داشته‌اند. افراد نمایه‌ساز در عرصه فقه بسیار اندک‌اند؛ به ویژه کسانی که به شیوه‌های جدید رایانه‌ای تسلط دارند.

حال بدون دسته‌بندی و تبویب، بهره‌گیری آموزشی و پژوهشی از فقه میسر نیست؛ یعنی اگر مسائل مختلف فقه که بیش از پنج هزار مسئله است. بدون دسته‌بندی و درهم باشد، بهره‌گیری از آنها بسیار دشوار اساساً غیرممکن است. اما دانش فقه مثل دیگر دانش‌ها به دو صورت نظام‌مند خواهد شد: ۱. فصل‌بندی و تبویب یا طبقه‌بندی مباحث؛ ۲. نمایه‌سازی و استخراج واژگان کلیدی و تنظیم

این واژگان به روش‌های الفبایی ورده‌ای.

هر دو نظام فوق، امور پژوهشی و مراجعه به متون فقهی را آسان و تسهیل می‌کند. نظام اول مبتنی بر دانش رده‌بندی و استفاده از سرعنوان‌های موضوعی^{۲۰} است؛ اما دومین نظام بر نمایه‌سازی و اصطلاح‌نامه‌های تخصصی فقه مبتنی است.

چون ساختار دانش فقه و نظم متون فقهی، بر تبویب است، برای طلاب از ابتدای ورود به این دانش، اولین باب (کتاب)، طهارت، بعد از آن صلوة و درپیی آن حج، زکات، خمس و... تلمذ و تدریس می‌شود؛ از این رو نظم تبویبی در ارتکاز و ذهنیت فقیهان و طلاب نهادینه شده است؛ لذا وقتی سخن از نظم و تنظیم فقه می‌شود، فوراً نظم تبویبی و طبقه‌بندی موضوعی به ذهن آنها متبادر می‌شود؛ در صورتی که در عصر جدید نظم نمایه‌ای کارایی‌های زیادتر دارد؛ هر چند وجود هر دو نظام، لازم و ضروری است.

کانونی اصلی یک دانش. در کاربرد دیگر به، تزاروس‌هایی که وظیفه تعیین جایگاه اصطلاح‌ها را برعهده دارند، گفته می‌شوند. نوع دوم اصطلاح‌نامه‌ها، توضیح‌هایی در قالب جملات و عبارات ندارند، بلکه فقط مترادف‌ها، متضادها و دیگر روابط واژگان را مشخص می‌کنند. نوع نخست اصطلاح‌نامه‌ها در گذشته در قالب فقه اللغة یا غریب اللغة عرضه می‌شده است. در عرصه فقه، هر دو نوع اصطلاح‌نامه تولید شده است؛ هر چند ضعف‌های حاکم بر کل اصطلاح‌نامه‌نگاری، بر تزاروس‌ها یا ایندکس‌های فقهی هم سیطره دارد؛ اما در دوره‌های جدیدتر، به دلیل نیازهای مسلمانان به انواع تزاروس‌ها، در توسعه و پیشرفت این گونه از اصطلاح‌نامه‌ها کوشیدند. در یکی دو دهه اخیر، تلاش‌هایی برای تدوین تزاروس در رشته‌های مختلف علوم اسلامی از جمله فقه آغاز شده، آثاری هم در این زمینه منتشر شده است. ناگفته نماند در تزاروس‌های اسلامی، رویکردهای دوگانه‌ای مشاهده می‌شود: عده‌ای به اصطلاح‌شناسی واژگان موجود در متن کتاب‌های علمی مسلمانان با نمایه‌سازی آنها روی آورده‌اند و عده‌ای دیگر در حوزه طبقه‌بندی ساخته‌های علوم اسلام و دسته‌بندی منابع هر علم، اصطلاحاتی را جعل و وضع کرده‌اند. متأسفانه

هنوز دیالوگ مثبت بین این دو، پدیده نیامده است و هر دو بدون توجه به دستاوردهای علمی و تجربی طرح‌های خود را به پیش می‌برند. هنوز نمایه‌سازی در کشورهای اسلامی و از جمله ایران به یک جریان کارآمد تبدیل نشده و نهادهای متصدی اصطلاح‌نامه، با جدیت و

سخت‌کوشی وظایف خود را انجام نمی‌دهند و اصولاً ذهنیت حاکم بر آنها اشتغال لازم برای ایجاد یک خط مشی جامع و وحدت رویه را ندارد. در زمینه فقه اگر بین این دو گرایش هماهنگی و تعامل اجرا شود، قطعاً با مجموعه‌ای کارآمدتر مواجه خواهیم شد.

به نظر می‌رسد چون بین تزاروس‌ها و رده‌بندی، ارتباط زیربنایی جدی وجود دارد و حداقل تقسیم‌بندی و شاخه‌های اولیه تزاروس را دانش رده‌بندی در اختیار اصطلاح‌شناسان قرار می‌دهد و آنان بر پایه و اساس آن تقسیم بدوی به تفریع و پیوندشناسی می‌پردازند، کارشناسان اصطلاح‌شناس در فقه به کار گرفته شوند و اصطلاح‌نامه یا نمایه‌سازی فقهی، محصول و ثمره تبادل تجارب دو گروه نمایه‌ساز و متخصص دانش فقه باشد. در این صورت حتماً مجموعه‌های سودمندتر و کارآمدتری عرضه خواهد شد.

برای فعال‌سازی دانش رده‌بندی فقه، چاره‌ای جز این نیست که تاریخ رده‌بندی در فرهنگ اسلامی کاوش شود و از تجارب گذشته استفاده گردد. تجربه‌ای که مرحوم احمد طاهری عراقی در گسترش رده BP انجام داد، گامی موفق بود و تداوم آن به پژوهش‌های دیگری نیاز دارد.

20. Subject heading

منابع

۱. محقق حلی؛ شرائع فی مسائل الحلال والحرام؛ تهران: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۸۹ق.
۲. الموسوعة الفقهية؛ الكويت: مزارة الاوقاف، ۱۹۸۳م.
۳. شکوری، ابوالفضل؛ فقه سیاسی اسلام؛ قم: ۱۳۶۱.
۴. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه و فقه؛ تهران: صدرا، ۱۳۵۸.
۵. شیخ طوسی؛ کتاب الخلاف؛ تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۹۸۳م.
۶. ابن ندیم؛ الفهرست؛ به کوشش رضا تجرد؛ تهران، ۱۹۷۳م.
۷. طاهری عراقی، احمد؛ رده BP اسلام؛ تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۶.
۸. فارابی؛ احصاء العلوم؛ ترجمه حسین خدیوجم؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۹. مدرسی، سید حسین؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه؛ مشهد، ۱۳۷۵.
۱۰. ابوسلیمان، عبدالوهاب ابراهیم؛ کتابة البحث العلمی و مصادر الدراسات الفقهية؛ بیروت: دارالشروق، ۱۹۹۳م.
۱۱. صادقی، سید محمد؛ پویایی فقه؛ قم، [بی نا]، [بی تا].
۱۲. الحزیمی، سعود بن عبدالله؛ الدلیل الشامل لمراجع العرب؛ قاهره: دارالفجر، ۱۹۹۷م.
۱۳. شامی، احمد محمد؛ المعجم الموسوعی لمصطلحات المكتبات و المعلومات؛ سید حبیب الله، الرياض: دارالمریخ، ۱۹۸۸م / ۱۴۰۸ق.

